

بایسته های تبدیل سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت به گفتمان فراگیر

سید اسکندر صیدایی^۱

مریم کاملی^۲

چکیده

با توجه به عدم توفیق نظریات غرب برای دستیابی کشورهای جهان سوم به توسعه، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با هم اندیشی صاحب نظران و مبتکران ایرانی بر پایه‌ی مبانی اسلامی و هویت درونی طراحی شد. از جمله مسائل و مبانی مهم در تحقق الگوی پیشرفت تبدیل آن به گفتمان ملی و فراگیر است. پژوهش حاضر با هدف تبیین اهم بایسته های تبدیل سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به گفتمان فراگیر، به شیوه‌ی توصیفی- تبیینی و با استناد به منابع کتابخانه‌ای و اسنادی انجام شده است. از حیث نوع، کاربردی است. بر این اساس مهمترین بایسته های گفتمان فراگیر، از طریق بررسی و تبیین عوامل مؤثر در مدیریت کشور و اجزاء تشکیل دهنده سیستم جامعه مشخص شد، همسو با آن تمام عوامل دخیل، با بهره جستن از تفکیک ساختاری و کارکردی به هفت عامل اصلی گروه بندی گردید و نقش هریک از عوامل به صورت شفاف و مجزا بیان شد. از این رو شاخص ترین بایسته‌های گفتمان فراگیر شامل؛ نهاد های قانونگذار (مجلس و شورای اسلامی)، نهاد های دولتی (دولت و دستگاههای اجرایی)، مردم و نهادهای مردمی، مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، رسانه ها و فضای مجازی، دانشگاهیان، فرهنگیان، نخبگان و هنرمندان است. در نتیجه یکی از مهمترین بایسته‌های فراگیری الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تبدیل شدن آن به عزم و اراده عمومی است؛ زیرا وقتی که گفتمانی به عزم عمومی تبدیل شود تمام سطوح مختلف یک جامعه در فرآیند عملیاتی شدن آن مشارکت اساسی خواهند داشت.

واژه های کلیدی: الگو، اسلامی ایرانی، پیشرفت، گفتمان، بایسته های گفتمان فراگیر

۱- مقدمه و بیان مسئله

امروزه با توجه به سیطره‌ی همه جانبه غرب در جهان، تقریباً همه‌ی کشورها به سمت ایجاد و تکامل جامعه مدنی با الگو گرفتن از غرب پیش می‌روند (مصباحی مقدم، ۱۳۸۹: ۲۲۱). با این حال بیشتر الگوهای غربی به دلیل غیر بومی بودن و نداشتن توجه دقیق به مسائل و مشکلات جوامع دیگر با موانع و محدودیتهایی مواجه بوده‌اند (عزیزی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۵۸)؛ چرا که بعد از سالها تلاش دولت مردان و مجریان نظریات توسعه در کشورهای جهان سوم که همگی به انحاء مختلف از این نظریه پردازیها بهره برده اند، به دلیل عدم دستیابی به وعده‌های این نظریات، نوعی سرخوردگی عملی از یک سو و وقفه تئوریک از سوی دیگر قابل ملاحظه است. نه تنها کشورهای جهان سوم به یک حالت نومیدی رسیده اند، بلکه نظریه پردازی توسعه نیز نوعی رکود و سکوت حاکم گردیده است (آلویس سو، ۱۳). از این رو با توجه به عدم توفیق نظریات غرب در رسالت خود، مبنی بر توسعه جوامع جهان سوم، طراحی و تدوین یک الگوی جدید همسو با

^۱ - دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه اصفهان

^۲ - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه اصفهان، نویسنده مسئول، maryamkameli^{۷۹}@gmail.com